

تعارض قانون حمایت خانواده و قانون مجازات عمومی

در قانون مجازات عمومی در قسمت جرایم بر ضد عفت (مواد ۲۰۷ بیعد) منصوص است که اگر مردی مرتکب هتك ناموس و یا ازاله بکارت و یا عمل منافی عفت بازنیسی یا دختری بشود قابل تعقیب و مجازات خواهد بود و در ماده ۲۷۸ همان قانون نیز مصرح است که این جرائم با گذشت شاکی خصوصی موقوف الی تعقیب و در تبصره ذیل ماده ۸ قانون آئین دادرسی کیفری نیز تصریح شده که جرائمی که با گذشت مدعی خصوصی موقوف میشود بمذاز حکم نیز اجرای حکم درباره محکوم بلحاظ گذشت موقوف و آثار حکم مرتفع میگردد .

قانون حمایت خانواده در شق ۵ از ماده ۱۱ که متذکر گردیده در صورتیکه هر یک از زوجین در اثر ارتکاب جرمی که مفایر حیثیت خانوادگی و شئون طرف دیگر باشد بحکم قطعی در دادگاه محکوم شود و نیز شق ۳ همان ماده مقرر داشته است که اگر زوج بدون رضایت زوجه همسر دیگری اختیار کند در هر دو مورد بالا برای زوجه اجازه مراجعه به حاکم دادگاه در تحصیل گواهی عدم سازش برای وقوع امر طلاق را داده است .

و در ماده ۱۴ همان قانون مینویسد اگر مرد بخواهد با داشتن زن همسر دیگری اختیار نماید باید از دادگاه تحصیل اجازه کند... الخ

اینک باتشریح مواد مذکور در بالا جهات تعارض بشرح زیر توضیح داده میشود ،

اگر در حال حاضر مرد زن داری مرتکب یکی از اعمال مندرج در مواد ۲۰۷ بیعد قانون مجازات عمومی بشود و مثلاً از دختری ازاله بکارت نماید و اولیاء دختر بشرط ازدواج مرتکب با دختری آنها رضایت بدهند و مرتکب هم با این امر موافقت نموده باشد ولی بنیه مالی مرد و یا اجرای عدالت منظور نظر قانونگذار در ذیل ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده اجازه

ندهد تکلیف دادگاه چیست .

اینجا از یک طرف بدستور نص صریح قانون مجازات عمومی و نظر کلی قانونگذار و علمای علم حقوق و از نظر شرعی در این قبیل موارد برای آنکه دامان عفت خان-واده ها مصون از تعرض همگانی قرار گیرد و حرمت خانوادگی محفوظ باشد شرع و عرف هر دو دستور داده اند در صورت گذشت شاکی موضوع بمختومه تلقی شود از طرف دیگر مقررات مندرج در مواد ۱۱ و ۱۴ قانون حمایت خانواده ممکن است مانع این امر شود.

اینجا است که تعارض بین قانون حمایت خانواده و قانون مجازات بنحو احسن پیش میاید اگر هم زن رضایت بدهد که بادت خود همسر دیگری برای شوهرش تهیه دیده است و نقض غرض قانونی شده است از طرف دیگر دختر بیگناهی که مورد اغوا و هوی و هوس مردش باد و بی ایمانی قرار گرفته چه گناهی داشته که بایستی دامن عفتش تا ابد لکه دار شود و چه بسا اینگونه افراد دست بخود کشی و ترك دنیا بزنند و یا آنکه اولیاء آنها حاضر نباشند با گرفتن مال و منال دنیوی از شکایت صرف نظر کنند و تنها با ازدواج دختر خود آنهم بسرای تبری از حرف مردم و جلو گیری از هتك و حیثیت خانواده خود با این امر موافقت نمایند .

موضوع دیگر اگر مردی با داشتن دو یاسه و یا چهار همسر مرتکب اعمال منافی عفت شود تکلیف چیست رضایت همسران این مرد برای ازدواج همسرشان بامجنی علیها چیست .

آیا همگی باید رضایت بدهند یا نه و آیا اگر مرد چهار زن مرتکب چنین عملی شود فرض کنیم هر چهار عیال او هم که عیال دائمی میباشند و مطابق قانون شرع و عرف تا حال مجاز از داشتن چهار همسر بوده با ازدواج شوهر خود با دختر مجنی علیها و بلحاظ آنکه مشارالیه بزندان نرود بالنتیجه آنها و اولادان آنها سرگردان و بلا تکلیف و بدون نان آور نشوند موافقت نمودند آیا وضع زن پنجم چه صورتی خواهد داشت اینجا که دیگر حسب دستور شرع و عرف اجازه داشتن زن پنجم بطور دائم نمیشود بچنین فردی داد و ناگزیر بایستی زن پنجم عقد غیر دائم باشد باز در این مورد فروضی پیش میآید از جمله اینکه پدر دختر مجنی علیها حاضر نباشد دخترش را عقد غیر دائم کند و یا مرد مرتکب حاضر نشود هیچیک از زوجه های قبلی خود را مطلقه سازد - و یا آنکه اصولا بردادگاه حسن معاشرت و اجرای عدالت و تمکن مالی او واضح و ثابت نشود تکلیف چیست .

در این موارد و نظائر اینها بایستی واضعین قانون موارد تعارض را مرتفع سازند که تکلیف

دادگاهها روشن باشد .